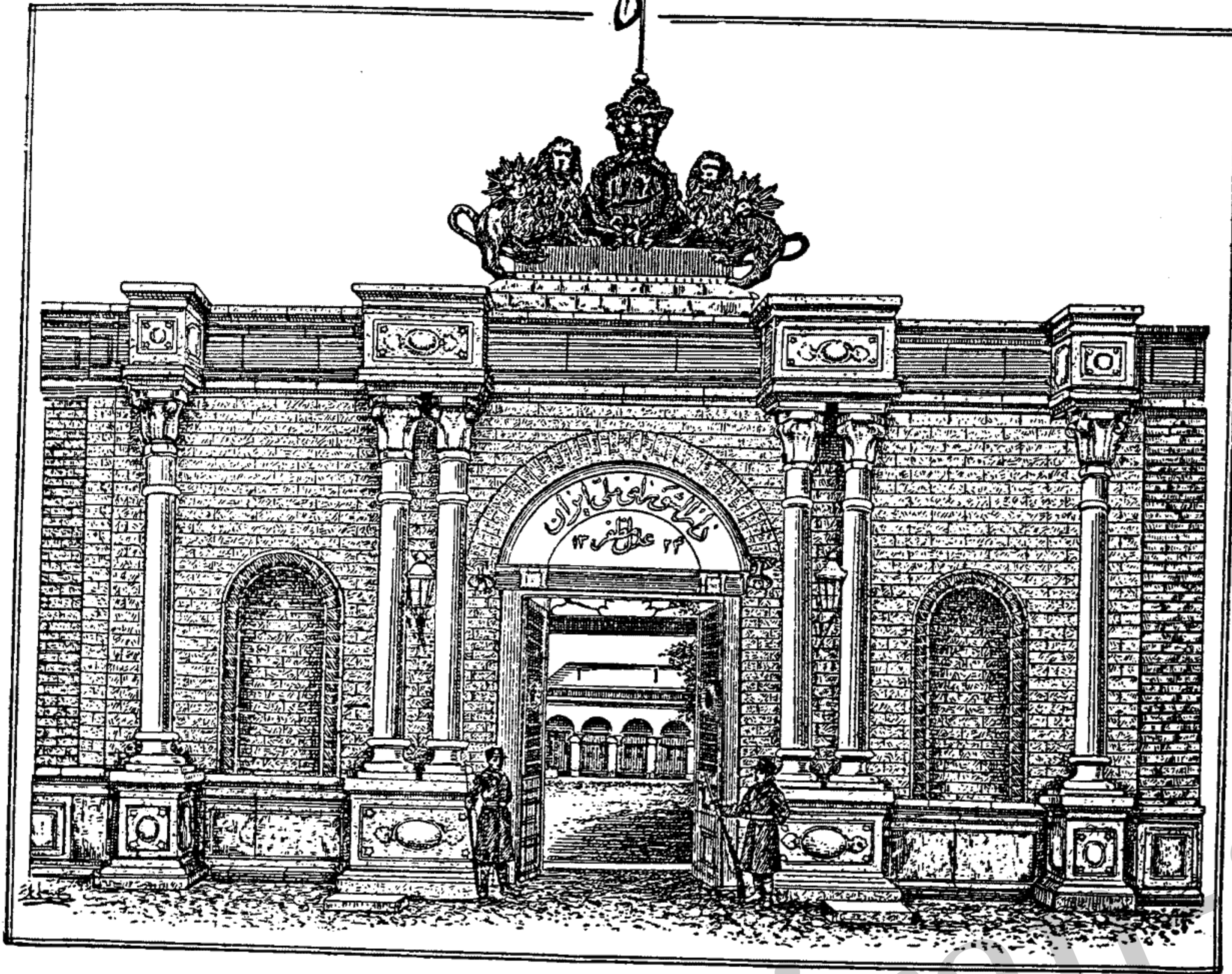


دوره ششم تقنینیه

<p>جاسه ۲۰۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۷۰</p>
<p>تاریخ تاسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يكشنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ شعبان المعظم ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ شعبان المعظم ۱۳۴۶

جلسه ۲۰۵

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر برپاست آقای
 آقايان : روحی - آقا سيد كاظم - دشتي - دهستان -
 بهبهان - ثقة الاسلامی - سلطان محمد خان - محمود رضا
 پیرنيا تشكيل گردید
 (و صورت جلسه قبل قرائت و تصویب شد)
 (غائبین با اجازه جلسه قبل)
 انجمنی -
 (غائبین فی اجازه جلسه قبل)

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور اول خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به امتیاز چراغ برق در شهرها از ماده ۹ الی ماده ۱۳	۳۴۶۲	۳۴۸۴

آقایان: - اسدی - اعظمی - نظام مافی - زارع - مسعود - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا - بنی سلیمان میرزا ابراهیم آشتیانی - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک

(دبر آمدگان با اجازه جلسه قبل)

آقایان: عراقی - ایلیخان - باستانی - نجومی - بالیزی زنگنه -

(دبر آمدگان بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: حاج میرزا حبیب الله - شریعت زاده - قوام شیرازی - مقدم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنی سلیمان را در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه مریض هستند خیلی هم سخت بقدری هم مریض هستند که قادر نیستند چیز بنویسند این است که استدعا میکنم مقرر فرمائید مجاز نوشته شود

رئیس - خبرش عنقریب از کمیسیون میرسد و اصلاح میشود

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد؟

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. ماده ۹ لایحه چراغ برق مطرح است

(این قسم قرائت شد)

ماده ۹ - صاحب امتیاز باید همه ساله در ظرف مدت سه ماه از تاریخ انقضای سال قبل معادل صدی پنج از عایدات خالص کارخانه را بالمناصفه بمعارف و بلدیة حوزه امتیاز عاید دارد

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - در تعقیب عرایضی که در مواد قبل عرض کردم تصور می کنم که این امتیاز (لوفرض امتیاز باشد) در این مواد يك نواقصی است که یکیش همین ماده است در صورتیکه مایل هستند يك اشخاصی يك کار هائی

بکنند و يك توسعه در امور مردم داده شود دیگر چه لزومی دارد در هر جا يك چیزی هم معارف بدهند هم به بلدیة؟ البته هر دو اینها مهم هستند هم بلدیة هم معارف ولی هر کسی که يك کاری میکند يك حقی هم بدهد بآنجاها این که يك چیزی نیست که بشود از حالا در این مواد ذکر کنیم و بنده تصور میکنم يك موقعی يك چیزی باید بدهند باید مطابق قوانین مملکتی هر وقت قرار شد از عایدات اشخاص يك حقی گرفته شود از آن محل معین کنیم که فلانقدر باید برای معارف و بلدیة بدهند این مسئله راجع بمالیات بر عایدات است و باین جا مربوط نیست و در این جا ذکر کردنش چندان مناسبتی ندارد از این گذشته این قبیل کارخانجات را نیایستی بدون عایدی گذاشت و لا اقل بایستی مدت پنج یا شش یا ده سال آنها را از پرداخت عوارض معاف کرد که يك جانی بگیرند و مردم تشویق شوند که این قبیل مؤسسات دائر نمایند این است که بنده جای این قسمت را این جا نمی دانم و بایستی در همان مالیات بر عایدات این قسمت را تصریح کرد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عجالاً عرضی ندارم

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم از اول مخالف بودند و در این چند جلسه هم مخالفت میکردند ولی در این ماده ایشان از موافقین جدی بودند حاضر هم نشدند بکسی که این امتیاز داده میشود يك چیزی به بلدیة و معارف بدهد عرض کنم که ما همیشه میخواهیم استفاده کنیم از قوانینی که در دست است برای بلدیة ما برای معارفمان و يك محلی پیدا کنیم که هم شهرها مان آباد شود هم مردم عالم شوند در ضمن اینکه يك امتیازی بدهیم يك خیابانمان هم آباد شود. این چه عیبی دارد؟ يك مدرسه هم داشته باشیم چه ضرری دارد؟ ما در همه قوانین این نظر را باید داشته باشیم می فرمایند این لایحه مربوط نیست باین کار و مناسبت

ندارد. خوب اگر نظرمان باشد لایحه راه آهن که در این جا مطرح بود آقای تقی زاده پیشنهاد کردند که چند نفر بروند با اروپا برای تحصیل همه ما هم رای دادیم. چرا چون می خواهیم استفاده کنیم از موقع. لایحه راه آهن مطرح است ده نفر هم محصل پیدا کنیم اینها خیلی خوب است آقا و البته خود آن اشخاص هم موافقت خواهند کرد که به بلدیة و معارف هم يك کمک هائی بکنند هر کس در هر مملکتی که کار می کند باید يك کمک هم باین قبیل مؤسسات عام المنفعه بکنند اینها يك اقلامی است که همه بان رای میدهند و هر صاحب امتیازی هم با این ترتیبات موافق است و همراهی میکند برای چه؟ برای اینکه وقتی شهر قشنگ شد. آباد شد برای همان صاحب کار خانه خوب است وسائل رای او بیشتر و بهتر فراهم میشود با اگر مدرسه باز بشود ضرری برای او ندارد بلکه نفع هم دارد و خوبست آقا هم موافقت بفرمایند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - مخالفت من در این ماده برای این است که بنده عقیده دارم که این قبیل امتیازات را هر چه تسهیل کنند بهتر است و مردم راغب میشوند قبول کنند. هیچ نگیرند از صاحب امتیاز بلکه در بعضی مواقع هم دستی بآنها بدهند که بیایند کار کنند و بقول آقا خیابانها تمیز و خوب بشود و آباد بشود نه اینکه هنوز نیامده بیایند و بگویند که صدی ۵ برای معارف و بلدیة بده این بیچاره از ترس فرار میکنند این را بنده عقیده ندارم تا باینکه نوشته است صدی ۵ سه ماه قبل از انقضای سال بدهند این را هم بنده مخالف هستم. افشار - قبل از انقضای سال نیست بعد از انقضای سال است

فیروز آبادی - بسیار خوب در این قسمت عرضی ندارم ولی در آن قسمت صدی ۵ مخالف هستم و همان طریق که ایشان فرمودند هر چیزی را بطور مختلف در

قوانین معین کردن بی تناسب و اسباب زحمت است و باید هر مالیاتی را در جای خودش معین کنید بپهلوی مالیاتهای دیگر نه در کلیة قوانین يك کرور بودجه بلدیة میشود خوب در ضمن مالیاتش معین کنید همان را بمصرف برسانند ما برای معارف در جای خودش هر قدر بیکه مجلس شورای ملی معین میکند هم از آن مصرف کنند دیگر بخش کردن و در قوانین هم ذکر کردن هم فایده ندارد هم اسباب زحمت صاحبان امتیاز میشود و بعلاوه همانطوری که عرض کردم مردم فرار می کنند و حاضر نمیشوند قبول کنند. میخواهید بلدیة را توسعه بدهید معارف را توسعه بدهید این طور که نمیشود يك مرتبه از بودجه کل مملکتی صد هزار تومان دوست هزار تومان معین کنید ولی در هر جائی مالیات خورد خورد معین کردن فایده ندارد و چیز غریبی میشود.

افشار مخبر کمیسیون فواید عامه - وقتی که يك نفر امتیاز چراغ برق يك شهری را گرفت البته استفاده میکند از اهالی شهر و وقتی که از اهالی شهر استفاده کرد باید يك چیزی هم بصحیة و معارف محل خودش بدهد منتهی نگفتم از کلیة عایدی خیر از عایدات خالص سالیانه اش صدی ۵ بالمناصفه بدهد. يك مثلی است معروف میگویند اگر نخم مرغ را نشکنند ملت درست نمیشود. او هم از ملت استفاده می کند باید يك چیزی هم برای همان ملت بدهد. نماینده محترم عقیده شان این است که باید پول نداد کار هم نکرد ولی هر وقت صحبت میشود از تأسیس کار خانه و چراغ برق و معارف و اینها صحبت میکنند...

فیروز آبادی - خیر آقا

افشار - در صورتیکه تأسیس کارخانه پول لازم دارد عایدی میبرد. يك چیزی هم باید بدهد برای آبادی همان شهری که از آن استفاده می کند و این مآلاً برای خود او هم خوبست آقا بلدیة طهران را مثل زدند بلدیة طهران در تحت نظر آقایان است و يك کارهائی هم کرده

است و يك عملیاتی هم کرده است و این عملیات که بصرف نشستن و حرف زدن و پول خرج نکردن که نمی شود ناچار صاحب امتیاز باید يك عوایدی که تحصیل میکند يك مقدارش را برای معارف و بلديه بدهد البته از طرف دولت هم برای آسایش آنها كك های لازم میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
ملك مدنی - خیر کافی نیست - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید.

ملك مدنی - عرض کنم که بنده با این لایحه موافقم ولی اغلب در مجلس مذاکره میشود که در مواقعی که امتیازاتی داده میشود باید يك تسهیلاتی کرد ولی این ماده مخالف با این نظر است يك کارخانه که تاسیس میشود تا دو سه سال ضرر میدهد این به تجربه ثابت شده است که چند سال اساساً منافع ندارد وقتی که چیزی ندارد از کجا بدهد؟ فرضاً هم داشته باشد کسی که چندسال ضرر داده است چند سال هم باید منافع آن را ببرد این است که بنده عقیده دارم در این ماده زیاد تر مذاکره شود بلکه بعضی عقیده داشته باشند که این ماده حذف شود
رئیس - رأی میگیریم. آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای حقنویس

حق نویس - بنده در ماده ۱۳ عرضی دارم

رئیس - آقای ملك

ملك مدنی - عرض کنم که بنده معتقدم که تاسیس قوه برق در ولایات خیلی مفید است و باید سعی کرد آن کسانی که امتیازاتی می خواهند تسهیلی برای شان فراهم کرد و کسانی که سرمایه دارند حاضر شوند امتیاز بگیرند و منفععی هم ببرند ولی طوریکه منفععی برای

آنها تأمین شود و ضرر بهشان نرسد و لا اقل در سااهی اول و دوم سوم که ضرر میبرند آنها را معاف کنند بعضی از آقایان طهران را قیاس میکنند در صورتیکه تردیدی نیست که طهران را نمیشود مقیاس قرار داد چون بنده منظورم این است که در نتیجه گذشتن این لایحه ولایات کوچک هم بتوانند استفاده کنند و اشخاصی هم در ولایات هستند از نظر اطلاعاتی که ما از اقتصادیات مملکت داریم و اطلاع از بی پولی آنها داریم هم تا اطمینان کامل نداشته باشند که از پولشان بالاخره يك منفعتی میبرند حاضر به يك چنین اقدامی نخواهند شد و بعقیده بنده بودن این ماده در لایحه سبب میشود که يك اشخاصی حاضر نشوند بیایند و امتیازی بگیرند این است که بنظر بنده برای تسهیل و مراعات شهرهای کوچک که آنها هم موفق شوند اساساً این ماده زائد است و پیشنهاد میکنم حذف شود.

مخبر - عرض کنم اگر در ماده نوشته شده بود که صاحب امتیاز مکلف است صدی پنج از کارخانه خود را بلديه و معارف بدهد حرف آقا کاملاً بجا بود ولی اینجا نوشته شده است که صدی پنج از عایدات خالص خود را به معارف و بلديه بدهد اگر صاحب امتیاز يك عایداتی ندارد نمیدهد اگر دارای عایدی باشد میدهد و تشخیص عایدات هم با خود مؤسسه خواهد بود در این صورت گمان میکنم ضرری نخواهد داشت و اگر آقایان هم نظری دارند پیشنهاد بفرمایند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای میرزا عبدالحسین

بنده پیشنهاد میکنم صدی پنج عایدات خالص تخصیص به معارف داده شود

پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

پیشنهاد میکنم در ماده ۹ بعد از عبارت (عایدات

خالص کارخانه را) این قسم نوشته شود
بالمناصفه برای مصارف بلديه و معارف حوزه امتیاز توسط مالیه محل عاید دارد

پیشنهاد آقای امامی

بنده پیشنهاد میکنم بعد از جمله از عایدات خالص علاوه شود (سالیانه)

پیشنهاد آقای ضیاء

پیشنهاد میشود که قسمت اخیر ماده نهم بترتیب ذیل اصلاح شود:

معادل صدی دو از عایدات خالص کارخانه را برای تأسیس مدارس چهارکلاسه ابتدائی بمعارف حوزه امتیاز عاید دارد

پیشنهاد آقای عباسمیرزا

ماده ۹ بترتیب ذیل پیشنهاد مینماید

در مدت پنجسال صاحب امتیاز از تأدیبه هر حقی معاف پس از پنجسال صدی پنج عایدات را به دولت تأدیبه خواهد کرد

پیشنهاد آقای آیه الله زاده خراسانی و معظمی

در ماده ۹ پیشنهاد میکنم بعد از لفظ بالمناصفه نوشته شود:

پیشنهاد آقای ملك مدنی

پیشنهاد مینماید ماده ۹ حذف شود.

پیشنهاد آقای دهستان

ماده ۹ بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده ۹ صاحب امتیاز باید همه ساله صدی دو از عایدات غیر خالص کارخانه را بالمناصفه بلديه و معارف حوزه امتیاز عاید دارد.

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم ماده نهم حذف شود

پیشنهاد آقای ملك آرائی و ثابت

بنده پیشنهاد می نمایم بعد از معارف و بلديه صحیحه اضافه شود.

رئیس - ماده دهم قرائت میشود
(اینطور خوانده شد)

ماده ۱۰ - حدود متعارفی امتیاز چراغ برق علاوه بر شهر چهار فرسنگ خارج از شهر را نیز از هر جهت شامل و قیمت فروش قوه برق در خود شهر یکسان لکن صاحب امتیاز در رسانیدن قوه برق بنقاطی که از حومه شهر خارج است وقتی مکلف است که مصارف سیم کشی را اداره بلديه محل باموافقت صاحب امتیاز و نماینده فواید عامه و داوطلبان در ظرف مدت دو سال بواسطه آبروگان تعیین نمایند تبصره - در نقاطی که وزارت فواید عامه دارای نماینده نباشد موافقت نظر بلديه و صاحب امتیاز برای تعیین قیمت سیم کشی خارج شهر کافی خواهد بود

رئیس - آقای عباسمیرزا

عباس میرزا - بنده تصور میکنم که این ماده از تمام مواد این لایحه بدتر تنظیم شده و هیچ رعایت شهر و وضعیت شهر نشده است این چراغ برقی که چهار فرسخ حومه شهر را هم باید بدهد ملاحظه بفرمائید مثلاً در طهران باید شمیرانات و حضرت عبدالعظیم ع و کرج تمام اینها را چراغ بدهد در صورتیکه در این نقاط همه کس میتواند يك امتیازی بگیرد امتیاز برق شمیران چه ربطی به شهر طهران دارد؟ این است که تصور میکنم در این کمیته امتیازات که مکرراً آقایان تنقید کرده اند مطالعه در این قبیل امتیازات نکرده اند و نخواسته اند که يك نتیجه بگیرند برای اینکه چهار فرسخ اطراف يك شهری را چراغ دادن يك سرمایه خیلی هنگفتی میخواهد و باید يك قوه خیلی فوق العاده داشته باشد در صورتیکه این کارخانه منحصر است به چراغ برای روشنایی شهر و بنده که این جا عنوان کردم کارخانه در روز دائر باشد آقای مخبر عنوان کردند که در روز لازم نیست پس حوائجی که برای الکتربك در روز هست مربوط به این قضیه نیست و منحصر به چراغ است در صورتیکه ممکن است اینجا تراموای الکتربك بکشند ولی ناچار فرسخ

نمی‌تواند چراغ برق بدهد و نظر به اینکه این امتیاز محدود به روشنایی است و منحصر به چراغ برق خانها است این باید محدود به محل محدودی باشد که بتواند يك چراغ با نور مكفی بدهد و تصور میکنم آقای مخبر هم تصدیق بفرمایند که چراغ برق چهار فرسخ اطراف شهر هیچ مناسبتی با این مواد و این امتیاز ندارد.

مخبر - آقای نماینده محترم تصور میکنم این ماده را با دقت مطالعه فرمودند. این ماده نمیگوید که کپان یا صاحب امتیاز مکلف است که تا چهار فرسخ اطراف شهر را چراغ بدهد اگر این طور بود حق داشتند اعتراض کنند ولی نوشته است اشخاصی که خارج از شهر زندگانی میکنند اگر بخواهند چراغ برق بکشند و بوسیله آبوتان مخارج سیم کشی را در ظرف دو سال تأمین نمایند صاحب امتیاز مکلف است چراغ برق بدهد و سیم کشی نکنند، مقصود این نیست که صاحب امتیاز مکلف است که چهار فرسخ اطراف شهر را چراغ برق بدهد و اگر ماده را درست قرائت بفرمائید آنوقت تصدیق عرض بنده را خواهند فرمود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض کنم که بنده هم با همان نظریه که حضرت والا فرمودند مخالف با این ماده هستم فرضاً آمدند به يك نفر در طهران يك امتیازی دارند. کپان در طهران است و چهار فرسخ هم جزء حوزه امتیازی او باشد آنوقت کسی نمیتواند در حضرت عبدالعظیم چراغ بیاورد؟ آیا میتواند یا نه؟ به این قاعده نمیتواند بیاورد و منحصر خواهد شد چراغ برق به آن کارخانه که در طهران امتیاز گرفته است و آنها خلاف مقصود و خلاف صلاح مملکت است، به این ملاحظه بنده عقیده ندارم که این چهار فرسخ بهمین طریق متصل نوشته شود بلکه عقیده دارم نوشته شود: حدود متعارفی چراغ برق علاوه بر شهر چهار فرسخ خارج از شهر را از هر جهت شامل میشود مشروط بر اینکه دیگری نخواهد چراغ برق بیاورد

با آورده باشد و اگر این طریق نشد و چهار فرسخ اطراف شهر را امتیاز گرفت با هر کسی که بخواهد در این چهار فرسخ چراغ برق بیاورد مخالفت میکند رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - اصلاً فکر بفرمائید که این ماده برای كلك به صاحب امتیاز تنظیم شده است يك کسی که آمد مبالغه گزافی خرج کرد و يك کارخانه ساخت نباید با اجازه داده شود که دیگری بیاید و اسباب زحمت او را فراهم کند ما میخواهیم يك امتیازی به يك کسی بدهیم و اگر يك کسی در دو فرسخی چهار فرسخی چراغ برق بخواهد آن صاحب امتیاز بدهد مشروط بر اینکه پول سیم کشی را خود آن خواهنده بدهد که يك مساعده می باشد با صاحب امتیاز شده باشد و بتواند کار خودش را ادامه بدهد حالا اگر آقا بفرمایند که چهار فرسخ زیاد است و دو فرسخ خوب است یا کمتر پیشنهاد بفرمائید در اساس این مسئله که میشود مخالفت کرد يك کسی که آمده است و يك مبالغه زیادی خرج کرده است باید حق داشته باشد تا چهار فرسخ چراغ بکشد و دیگری حق نداشته باشد تا چهار فرسخ چراغ بکشد و دیگری حق نداشته باشد. و در این جا اساساً امتیاز چراغ تنها نیست و آنچه که در کمیسیون تصویب شده است و مجلس هم تصویب خواهد کرد قوه برق است، کارخانه قوه برق يك کارخانه نیست که فقط يك فرسخ چراغ بدهد کارخانه هست که دو فرسخ، چهار فرسخ الی پنج فرسخ را هم میتواند چراغ بدهد

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - عرض کنم که بنده دیدم که دفاع آقای مخبر و همچنین آقای رفیع درست جواب نظرانی که مخالفین راجع باین ماده داشتند نبود. آقای مخبر فرمودند که اگر در يك جائی در يك فرسخی دو فرسخی تا چهار فرسخی شهر چراغ خواسته باشند بیایند و از صاحب امتیاز بخواهند با وسایلی که در ماده ذکر شده است

صاحب امتیاز میتواند چراغ برق بدهد در حالتیکه خلاف منظور است در ماده صریح است که حدود متعارف حق امتیاز چراغ برق علاوه بر شهر چهار فرسخ است یعنی اگر در طهران یا یکی از حوزه های ایالتی و ولایتی باشد تا چهار فرسخ اطراف خود را میتواند چراغ برق بدهد، مثلاً زرقان تا شیراز چهار فرسخ است و يك همچو استعدادی هم یکی از اهالی آنجا دارد که بیاید يك دستگاه چراغ برق فرضاً هزار چراغ بکشد و برای آن محل هم کافی است و در شیراز هم آمدیم که کسی چراغ برق دائر نکرد آن وقت آن دستگاه كوچك باید شیراز را هم چراغ بدهد؟ این پسندیده نیست فرضاً يك کسی آمد در حضرت عبدالعظیم ع امتیاز گرفت و طهران هم جزء او است وقتی که طهران هم جزء او است با وسائل ناقصی که او دارد نمیتواند چراغ برق طهران را بدهد در صورتی که مطابق این ماده مجبور است خیر باید آزاد گذاشت که مردم بتوانند در هر جائی از سرمایه های كوچکشان استفاده کنند و بتوانند در همه جا روشنایی تهیه کنند میبایستی آزاد گذاشت که سرمایه های كوچك را هم اجازه داد بکار بيفتنند و حدود متعارفی را بیشتر از حدود شهر قائل نشد.

مخبر - مقصود این است که حدود متعارفی محل امتیاز را یعنی تا چهار فرسخ اطراف شهر را دولت نمیتواند به کسی دیگر امتیاز بدهد مقصود این است مقصود این نیست که صاحب امتیاز مجبور با مکلف است که حتماً تا چهار فرسخ را چراغ بدهد، اولاً تصدیق میفرمائید که در مملکت ایران بیش از هفت هشت نقطه از نقاط ایران چراغ برق نیست، آقایان بقدری فکشان بلند است که در زرقان هم بفرمائید آقای شیروانی فردا اداره چراغ برق دائر می شود و مردم استفاده میکنند اگر بنا باشد خارج از شهر را موضوع کنیم ممکن است اشخاصی با يك سرمایه های كوچکی بیایند و این شرکت داخلی را از بین ببرند؛ و با این ترتیب و شرایطی که

در این جا ذکر شده است تا مدنی احتیاجات را تأمین میکند و اگر بعد از این مدت بیشتر از این قائل شدیم که مملکت چراغ داشته باشد و يك موافق در بین بود البته لواجی به مجلس تقدیم خواهد شد و آقایان میتوانند آنوقت نظریات خودشان را تأمین کنند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده تصور میکنم اصلاً این ماده زیادی باشد برای اینکه بحکم تجربه معین شد امتیاز آن که خیلی توسعه دارد صاحبانش از عهده بر نمی آیند و بالاخره کار عمومی را معطل میکند، پس بهتر این است که بهمان شهرها اکتفا شود و حوالی را بگذارند برای کسان دیگر اگر کسی پیدا نشد آنوقت آن باب باز است برای خود آن صاحب امتیاز که در نان قرار امتیاز را با وزارت فوائد عامه بدهد. این است که بنده عقیده دارم حدود متعارفی را محدود به همان داخل شهر بکنند نه خارج و در این قسمت پیشنهادی هم عرض کرده ام

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - بنده عرض کردم در ماده ۱۳ عرضی دارم و در این ماده عرضی ندارم

رئیس - آقای اعتبار

یک نفر از نمایندگان - تشریف ندارند

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده مخالفم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده از دو مسئله خیلی متأثرم یکی اینکه وقتی این لایحه مطرح شد در شور کلیات يك نفر از آقایان اظهار نکرد که مخالفم و همه آقایان

گفتند موافق هستیم، کسی مخالفت نکرد که در شوردر کلیات مطلب بحث شود و آنوقت آقای ضیاء که کاملاً باید در مسائل اساسی موافق باشند در این جا حالادیدم يك فرمایشی کردند که عقیده اعضاء کمیسیون و عقیده دولت را راجع به امتیاز کاملاً در دست بیاورند عرض میکنم ما باید اول دلیل خودمان را ذکر کنیم که چرا ما معتقد شدیم که همه چیزها را دولت باید امتیاز بدهد و يك راهبني هم در این باب در دست داریم که محسوس است اینکه آقای ضیاء فرمودند آزاد باشد (چنانچه غالب آقایان عقیده دارند که آزاد باشد) آقا در وقتی که ما می خواستیم ایران مشروطه بشود بنده هم یکی از خطبا بودم فریاد میزدیم که ایرانیها بیدار شوید اگر چنانچه بیدار نشوید می آیند و تمام ماها را عملاً میکنند و کارها را خودشان در دست میگیرند الان که خدا خواسته است ما بیدار شده ایم توی مجلس هم همان حرف را میزنیم یعنی بیایید کارها را بداخله امتیاز بدهید اگر امتیاز ندهید کمیتهای خارجی میآیند و میبرند و بنده و جنابعالی همه باید عملاً خارجیا بشویم

(همه نمایندگان - زنك رئیس)

آقا سید یعقوب - صبر کنید، بگذارید آقایان يك قدری توجه کنید دلیل مخالف را به بینید بعد جواب بدهید، آقایان بگذارید عرض بنده تمام شود يك مملکتی که این جور همه چیزش آزاد است، تجارتش آزاد است درش باز است. این جور ما مهمان پرست هستیم اینجور دیگران را ما تاج سر خودمان قرار میدهیم، در مقام دیگران مطیع و منقاد هستیم با این ترتیب فردا تمام کارخانه های چراغ برق ایران را هم دیگران خواهند برد. بنده و اولادم باید عملاً ذوغال کش بشویم. پس از این نقطه نظرو برای حفظ حقوق ملت خودمان باید حتی بقالی را هم امتیاز بداخله بدهیم، عقیده بنده این است، عقیده را که اظهار کردن که دعوی ندارد، بنده عقیده مندم که برای پیشرفت اقتصادات باید همه چیز را امتیاز داد و کارها

بدست خودمان باشد مسئله دوم را (آقای ارباب توجه بفرمایند) نظر ما در این جا چه بود؟ این جا ما میخواهیم بعد از آنکه آن امتیاز را میدهیم برای تسهیل و تقویت صاحب امتیاز مفید باشد یعنی پس از آنکه خدا خواست و این قانون از مجلس گذشت و رفت در وزارت فوائد عامه و این مفهوم را تطبیق با يك مصدق کردند و شما خواستید امتیاز کارخانه چراغ برق طهران یا کرمان را بگیرید يك تقویتی از حضرت عالی شده باشد و این کار را میکنیم برای اینکه سرمایه های جزئی که داریم بیرون بیاید، قدم اول ما این است که این امتیازات را که ما میدهیم طوری بشود که سرمایه های جزئی که مردم دارند بیرون بیاید و شروع کنند به کار کردن و کارخانجات آوردن و کم کم مثل دنیای تازه صداهاى صوت کارخانه ها مان بلند شود و از سرمایه های کوچک يك کمپانیهای تشکیل شود و امتیازات را بدهیم که سرمایه ها بکار بیفتد و تمام مملکت ایران پر از کارخانه بشود.

حاج میرزا مرتضی - نه کارخانه چراغ برق

آقا سید یعقوب - کارخانه چراغ برق هم یکی از آن کارخانه ها است شما اگر بخواهید بیه سوز بیاید دیگر نمیشود بنده هم خیلی موافقم ولی چکم اتومبیل که آمد دیگر خر کرمانی را نمی شود سوار شد باید اتومبیل را سوار شد (خنده نمایندگان) وقتی کارخانه چراغ برق آمد و دنیا را چراغ برق گرفت نمی شود دیگر دنبال بیه سوز و روغن کنج در رفت نظر کمیسیون این بوده است که عرض کردم حالا هم میتوانند آقایان نظریات خودشان را پیشنهاد کنند. نظر کمیسیون و دولت این بود که این امتیازی که داده میشود بصاحب امتیاز قوت و قدرت به او بدهیم که تا چهار فرسخ در تحت امتیاز او باشد و کسی دیگر نتواند چراغ برق بیاورد و اگر يك کسی مثلاً در شمیران چراغ برق خواست طلب رضایت شما را که در طهران

امتیاز گرفته اید بکنند. این اساس نظریات ما بود و گمان میکنم آنطور که در ماده نوشته شده است کاملاً موافق با این نظر باشد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بنحو آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای عباس میرزا

ماده ده را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

حدود متعارفی چراغ برق محدود به شهر خواهد بود و صاحب امتیاز مکلف است قوه چراغ برق را مطابق آن حوزه تهیه نماید

پیشنهاد آقای شیروانی

ماده ۱۰ را بطریق ذیل اصلاح میکنم:

ماده ۱۰ وزارت فوائد عامه مجاز است حدود متعارفی امتیاز قوه برق را در هر محل متناسب با وضعیت همان محل تعیین نماید.

پیشنهاد آقای دکتر ظاهری

پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ بترتیب ذیل نوشته شود

ماده ۱۰ - حدود متعارفی امتیاز چراغ برق تا نیم فرسخ اطراف شهر است و قیمت فروش قوه برق همه جا یکسان خواهد بود.

پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

بنده حذف ماده ۱۰ را پیشنهاد میکنم.

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۰ حومه شهر تا چهار فرسخ حذف و حوزه امتیاز منحصر به شهر باشد و عبارت آخر ماده هم که مربوط به سیم کشی خارج شهر است حذف شود.

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۰ نوشته شود.

حدود متعارفی امتیاز چراغ برق علاوه بر شهر نیم فرسنگ خارج از شهر را تا آخر ماده.

پیشنهاد آقای ثابت

پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ و تبصره حذف شود

پیشنهاد آقای فرشی

این بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۰ عوض چهار فرسخ نیم فرسخ نوشته شود:

پیشنهاد آقای ضیاء

پیشنهاد میشود ماده ۱۰ بترتیب ذیل اصلاح شود ماده ۱۰ - حدود متعارفی امتیاز چراغ برق محدود به شهر و صاحب امتیاز میتواند تا حدود چهار فرسنگ خارج شهر را قوه برساند لیکن صاحب امتیاز در رسانیدن از حومه شهر خارج تا آخر ماده و در آخر ماده ذکر شود و این حق مانع للتغیر نخواهد بود

رئیس - ماده یازدهم.

(بشرح ذیل خوانده شد)

قیمت فروش قوه برق در هر حوزه امتیاز با منظور داشتن سرمایه عمل و مدت امتیاز و مخارج اداری بنسبت عادلانه از طرف صاحب امتیاز معین خواهد گردید هرگاه میزان قیمت غیر عادلانه باشد وزارت فوائد عامه کمیسیون در محل مرکب از نماینده خود و نماینده وزارت مالیه و نماینده بلدیة و صاحب امتیاز تشکیل داده با رعایت سرمایه عمل و مدت امتیاز و مخارج اداری قیمت قوه برق را تعیین و اعلام خواهد کرد قیمت مزبور در هر سال بترتیب فوق قابل تجدید نظر خواهد بود

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - در این ماده آقایان محترم ملاحظه میکنند که چراغ يك چیزی است که برای خانها واجب و لازم است و تشویق اینکه چراغ بکشند برای این است که این چراغ برق گران تمام نشود و بيك میزانی قیمت بگذارند که مردم بتوانند استفاده بکنند. ولی بطوری که در این ماده کمیسیون تنظیم کرده است که کمیسیون کنند و اشخاص مخلف جمع شوند و عایدات يك کسی

را که امتیاز گرفته است معین کنند گمان میکنم بکلی بی فایده باشد و گمان نمیکم آن کسی که امتیاز میگردد تا این درجه حساب و کتابش و صورتهایش مرتب باشد و باز باشد که بتوانند واقعاً از آن ها تشخیص بدهند که به چه میزان چراغ برق باید برای مردم قیمت داشته باشد. اساساً در این قبیل امتیازات و این قبیل مؤسسات باید برای صاحب امتیاز يك منفعتی در حدود ده در صد یا پانزده در صد معین کنند و قیمت بگذارند در تمام این قبیل مؤسسات که در اروپا هست هیچکس امتیازی را بخودش انحصار نمیدهد و هیچوقت منفعت سهامی که راجع به این قبیل کارها است در اروپا بیشتر از سه یا چهار خیلی که پیشرفت داشته باشد پنج در صد بیشتر نیست. حالا در ایران مطابق اوضاع جاریه مان ده در صد یا پانزده در صد قرار دهیم ولی اینجا هیچ حدی را معین نکرده است که بعد از آنکه کمیسیون از طرف وزارت فواید عامه و بلدییه و اینها جمع شدند و سرمایه را معین کردند چند در صد را برای منفعت قرار بدهند او ممکن است بگوید من میخواهم بیست و پنج یا سی در صد قیمت معین بکنم و کمیسیون با چه ترتیب و چه نظری میتواند او را محدود بکند و بفلان مقدار ده در صد یا پانزده در صد قرار بدهد؟ این قبیل مسائل که اینجا مذاکره میشود بعضی آقایان مکرر میگویند که هر نظری دارید پیشنهاد کنید بنده عرض میکنم که این مسائل باید در این جا مذاکره شود و نظریات معلوم شود. همه آقایان میل دارند در چراغ برق زیاد شود ولی این چراغ برق چنانچه بنده عرض کردم يك امتیازی مثل امتیاز يك معدن نیست يك امتیازی است که باید نفعش به عامه برسد و يك چیزی را که عامه باید از آن استفاده کنند نفع عامه را هم باید منظور داشت البته باید نفع آن کسی را هم که

مقدار زیادی خرج این کار کرده است در نظر داشت لذا بنده از آقای مخبر محترم تقاضا میکنم که مثل ماده پیش نگویند که مطالعه نکرده اند یا اینکه پیشنهاد بدهند عرضی که بنده میکنم عین همان جواب را مرحمت کنند که آیا شما در این جا از روی کدام قانون مملکتی معین کرده اید که صاحب امتیاز باید معادل يك میزان معینی منفعت ببرد؟ رئیس -- آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم تقریباً امروز در این ماده متضاد صحبت کردند برای اینکه از يك طرف نفع عامه را در نظر گرفتند و از يك طرف میفرمایند که اجازه بدهیم هر مقداری را که صاحب امتیاز میخواهد بگیرد، اینطور که نمی شود اگر نفع عامه را میخواهند نباید منکر این بشوند که اداره بلدییه باید بیاید حساب کند که چقدر نفع میبرد و مطابق منافع او قیمت چراغ را معین کند باید بیایند در سالی يك مرتبه دو مرتبه به حساب رسیدگی کنند و نفعی برای او معین کنند ولی از طرف دیگر فرمودند که چه قدر باید صاحب امتیاز منفعت ببرد این فرمایش آخر آقا با فرمایش اولشان یکقدری متضاد بود.

عباس میرزا - این جواب بنده نیست.

رفیع - همه شنیدند ما که محرمانه صحبت نکردیم اینکه فرمودند منافع سهام صد پنج و صد و چهار است و منافع سهام از این مقدار بیشتر نمیشود. عرض میکنم يك سهامی هم هست که الان صد چهار صد منفعت میبرد و آنهایی که صدی ده و صدی بیست منفعت میبرند يك سهامی هستند که خیلی کم منفعت دارند و اینطور نیست که باید حتماً صدی دو یا صدی سه و چهار منفعت ببرند آنوقت که آقا در اروپا بودند آنوقت سهام زیاد منفعت نمیکرد ولی حالا با آنوقت فرق کرده است و در ایران معین است که هر وقت میخواهند برای يك سرمایه منفعت معین کنند صدی دوازده معین میکنند، برای این مؤسسه هم بالاخره بلدییه و وزارت فواید عامه

می نشینند و با صاحب امتیاز طی میکنند که منفعت سرمایه او از چه قرار باشد ولی اگر از حالا قرار بدهم که صاحب امتیاز هر چه دلش میخواهد ببرد مثل مغازه های خیابان لاله زار می شود که هر چه دلشان میخواهد کرایه میگیرند، هر چه دلش میخواهد که نمیشود در اینکار باید بادیه دخالت کند و تعیین نرخ کند و بهترین جائی که میتواند تعیین نرخ کند همان بلدییه است.

عباس میرزا - نرخ چه قدر است؟

رفیع - از حالا ما نمیتوانیم نرخ را معین کنیم صاحب امتیاز با آن کسی که امتیاز را میدهد نرخ را میکنند و از آن رو مکلف است که صاحب امتیاز رفتار کند و این مخالفت آقا گمان میکنم که مورد نداشته باشد.

مخبر - عرض کنم که آقای نماینده محترم تصدیق میفرمایند که در مملکت ما سرمایه هست ولی سرمایه جاری نیست، سرمایه را کد است، باید سعی کنیم که ایجاد سرمایه جاری در مملکت خودمان بکنیم و این سرمایه را کد را تقریباً شکلش را عوض کنیم و برای این کار بالطبع باید تأسیس شرکت و کمپانی بشود که بتوانند سرمایه های را کد داخلی را به جریان بیندازند و کارهایی برای مملکت بنمایند. بعضی از آقایان لاینقطع اعتراض میکنند که ما نباید امتیاز بدهیم و این کاری نیست که امتیاز داده شود. اگر آقایان کامل بفرمایند در دوره چهارم امتیاز تأسیس يك کارخانه کبریت سازی در آذربایجان داده شود در دوره پنجم و ششم هم همیشه دولت و مجلس سعی در تقویت این مؤسسه کرده اند با اینحال امروز این مؤسسه در اثر تضيیقات خارجی در فشار است و نمیتواند با آنها مقابله و رقابت کند بناء علیه ما میخواهیم امتیازی که بسرمایه داران داخلی داده میشود يك امتیازی باشد که هم مملکت و مردم بتوانند آن صاحب امتیاز را تقویت و حفظ کنند و استفاده کنند و هم او استفاده بکند

ثانیاً در بین این امتیازی که از طرف مجلس تصویب می شود و آن امتیازاتی که قبل از مشروطیت (بعنوان نان خانه) داده شده است آقای نماینده محترم قدری اشتباه میکنند امتیاز چراغ برق طهران یا آذربایجان بعنوان «نان خانه» داده شده است وقتی که شما بعنوان نان خانه امتیازی بدهید البته نمیتوانید آن آدم را در تحت فشار بگذارید که چرا يك قسمت شهر طهران روشن است و يك قسمت روشن نیست. چرا در تبریز باید يك چراغ نفتی برداشت برای پیدا کردن چراغ الکتریسته؟ برای اینکه آن امتیاز برای نان خانه داده شده است. بناء علیه دولت يك لایحه آورده است و در حدود آن يك امتیازی بيك اشخاصی داده میشود و صاحبان امتیاز البته مکلفند در حدود مقررات این قانون موجبات آسایش عامه را فراهم نمایند. اگر فراهم نیاوردند بالطبع مطابق همین قانون دولت مکلف است امتیاز را لغو کند. و اینده آقای نماینده محترم فرمودند کمیسیونی لازم است که بروند بحساب آنها رسیدگی بکنند و بالاخره تشخیص صدی پنج عوائد خالص این صاحب امتیاز تا کی خواهد بود و اگر با خودش باشد که باو اعتماد ندارید پس بالاخره آقا يك کمیسیون از ما بهتران از مرغان بهشتی معین فرمائید و پیشنهاد فرمائید که برود در کمیسیون و مطرح شود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتم یکی نسبت باین است که شاهزاده هم فرمودند (قیمت عادلانه) قیمت عادلانه معلوم نیست چقدر است چون اصلاً عدالتش در این مملکت معلوم نیست باشد که عادلانه اش عمل بشود این يك عبارت کس داری است باین جهت خوب بود که معین میشد عادلانه چقدر است زیرا ترتیبانی که در مملکت خودمان هست همه میدانیم. این یکی دیگر اینکه عقیده ندارم بعد از آنکه بنام امتیاز داده شود زیاد به صاحب

امتیاز فشار آورده شود که او مایوس شود و دیگران برای مؤسسات عام المنفعه اقداماتی نکنند. بنا بر این بنده تقاضا میکنم که قیمت عادلانه در اینجا معین شود که چقدر است و مقصود از این عادلانه چیست که هم فشار بصاحب امتیاز نیاید و هم مردم.

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - عرضی ندارم :

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

ضیاء - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

ضیاء - بنده از اشخاصی هستم که میل دارم همیشه مذاکرات کمتر بشود و بیشتر عمل کنیم اما بنده میبینم این ماده درست نشان میدهد که غرض از دادن این امتیازات صلاح و نفع عامه نیست فقط دل خوش کن است که میخواهند بگویند چراغ برق داریم ..

مدرس - نداشته باشیم.

ضیاء - این است که بنده مذاکرات را مخصوصاً نسبت باین ماده کافی میدانم و اگر یکی دو نفر موافق و مخالف دیگر هم صحبت بکنند نظر آقایان اعضاء کمیسیون و مخصوصاً نظر نمایندگان زبان رأی دادن بشور دوم معلوم می شود بنا بر این بهتر است در این ماده زیاد تر صحبت شود تا معلوم شود که غرض دلخوش کن است یا داشتن چراغ برق.

رئیس - عده برای رأی کافی نیست

رفیع - مذاکره بشود

رئیس - عده برای مذاکره هم کافی نیست

(در اینموقع چند نفر از آقایان وارد

مجلس شدند)

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده عقیده ام این است این که سال بسال معین کرده اند که قیمت در محل معین شود

اسباب زحمت است. هم ممکن است به نفع مردم تمام شود هم بضرر مردم همینطور نسبت بصاحب امتیاز. در سوابق معمول این بود. اینگونه امتیازات را که میدادند در موقع دادن امتیاز وزارت فوائد عامه تعیین قیمت را میکرد و آن صاحب امتیاز پیش بینی میکرد که آیا از عهده بر میآید یا نه و الا ممکن است تصور بشود که يك کسی بیاید يك خرجی بکند بعد موافقت نظر در باب تعیین قیمت حاصل نشود آنوقت تکلیف صاحب امتیاز چیست؟ از يك طرف اگر باختیار خود او باشد و پای دولت در میان نباشد ممکن است او انجذاب کند از طرف دیگر ممکن است مأمورین دولت وقتی او کارخانه را دایر کرد باو فشار بیاورند و او هم خواهی نخواهی از روی اجبار قبول کند و بضررش تمام شود از این جهت عقیده بنده این است که از اول که میخواهند امتیاز بدهند در باب قیمت هم تکلیف را خود وزارت فوائد عامه معین کند پیشنهادی هم در این باب تقدیم کرده ام

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده عرض میکنم که این ماده شاید يك معایبی نداشته باشد ولی در هر صورت باید البته اشخاصی که نظریاتی دارند روی کاغذ بیاورند و بفرستند بکمیسیون ما اگر نخواهیم حقیقه در يك چیزی که خیلی علاقه مند هستیم از مجلس بگذرد در شور اول چندین نفر ناطق در هر ماده حرف زنند در شور دوم هم همینطور پیشنهادات هم که در آخر بحث میشود بالاخره این چند ماهه مجلس همین چیزها صرف خواهد شد و بهتر این است آقایان نظریاتی که دارند پیشنهاد بفرمایند و اما در باب اختلاف اساسی که در باب تعیین مذافع در مجلس هست این يك موضوع نظری است بعضی عقیده دارند که ما حالا میتوانیم حساب کنیم و ببینیم آن کسی که میآید در کرمان سرمایه خودش را بخطر می اندازد یا آن کسی که در طهران یا بندر پهلوی سرمایه خودش را بکار می اندازد چقدر منافع برای او

باید معین کرد؟ بنده عقیده ام این است که این غیر ممکن است زیرا برای همه نمیشود بطور تساوی يك منافع معین کرد. برای اینکه کسی میآید در کرمان سرمایه خودش را بخطر می اندازد هفت سال هشت سال ده سال ضرر میدهد. سال دهم شاید شروع بکند باینکه منفعت ببرد ولی در بندر پهلوی کسی که می آید قوه برق ایجاد میکند از سال دوم استفاده میکند. ما اگر حالا نخواهیم حساب کنیم که آیا در کرمان سال چندم این سرمایه منفعت پیدا میکند گمان میکنم غیر عملی شد. در هر صورت این چیزها را باید يك اصولی برایش قائل شد و يك ترتیب اساسی قائل شد که بآن ترتیب عمل بکنند تا نتوانند در موقع عمل ایجاد مشکلات بکنند. آن را هر چه آقایان بنظرشان میرسد پیشنهاد بکنند البته مربوط بکمیسیون بحث میشود و تکلیفش معلوم میشود اینقدر ها هم که آقای ضیاء فرمودند که دل خوش کن و اینها است نیست پس اجازه بفرمائید تمام بشود

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - تمام نمایندگان نسبت بدادن امتیاز باتباع داخله بی اختیارند. هر وقتی که يك نفر ایران برای يك موضوعی تقاضای امتیاز کرده است هر قدر ممکن بوده است نمایندگان رعایت تسهیلات برای او کرده اند بدوره های گذشته مراجعه کنیم راجع به رب سوس راجع به کبریت سازی آذربایجان همچنین بهر امتیازی که در مجلس آمده راجع باتباع داخله یا همین موضوع چراغ برق همه را برای مردم و برای فقرا وضعفا میخواهیم و همانطور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند باید چراغ پیه سوز را دور بیندازیم و الکتریک داشته باشیم. پس باید درست دقت کرد که مجلس چه اصنی را باید اتخاذ کند که تمام مردم چراغ برق داشته باشند. اگر چراغ برق خوب است باید قیمتش سهل و ارزان باشد که برای همه ممکن باشد حتی در کلبه دهقانی هم بجای پیه سوز با استفاده از روشنائی

هیزم چراغ برق باشد باید قسمی ارزان باشد که همه بتوانند استفاده بکنند و الا اگر چراغ برق را جمعی داشته باشند و يك عده دیگر نتوانند تهیه کنند همان زندگی عجیب و غریب ایرانی که بکطرف زندگانی چهل صد سال قبل است و بکطرف زندگانی صد سال بعد دنیا است خواهد شد اینطور نمیشود در این ماده میگوید اگر چنانچه در هر سال آمدند و نشستند برای تعیین قیمت چراغ برق و سرمایه این شرکت را سنجیدند و مطالعه در اوراق این شرکت کردند. بدفاز این شرکت مطالعه کردند و فهمیدند که در سال گذشته اگر يك چراغ سی شمعى مثلاً ده شاهی پول میگرفته است و امسال صرف نمیکند مطابق این ماده به وزارت فوائد عامه و بلديه اجازه داده میشود که برای تأمین منفعت صاحب امتیاز ده شاهی را پانزده شاهی بکنند نتیجه چه میگیریم؟ نتیجه این طور میگیریم که آن کسانی که نمیتوانند پانزده شاهی بدهند و چراغ داشته باشند از استفاده چراغ محروم خواهند بود و باز در نتیجه کارخانه ضعیف میشود و ازین میرود و آنوقت همه میگوئیم باید امتیازات را بخارج داد. چرا باید به خارج داد؟ چرا میگوئیم باید داد بخارج؟ برای اینکه يك سرمایه دار خارج بیاید استفاده بکند و این کارها را براه بیندازد؟ برای اینکه از اول که سرمایه ها را بکار بیندازیم این رعایت ها را نمیکنیم و موافق منافع عامه کار نمیشود آن وقت میگوئیم خارجی بیاید ما می بینیم که چراغ برق را همه میتوانند دائر کنند دستگاه های هزار شمعی دو هزار شمعی سه هزار شمعی يك چیز بسیار عادی شده است مثل يك چراغی که در مغازه پیرایش مثلاً میخرید همینطور هم يك دستگاه چراغ برق میتوانید بخرید آنوقت اگر بیائید امتیاز بدهید و طوری بکنید که هر سال قیمت چراغ برق را بالا ببرند در نتیجه مردم استطاعت خریداری ندارند و کارخانه هم ضعیف می شود آن وقت خواهیم گفت که

باید امتیاز بخار چه داده شود.

مخبر - خلاصه بیانات آقا این بود که در تمام خانهای اهالی این مملکت باید چراغ برق باشد...
ضیاء - ارزان باید باشد چنانکه در همه جاهست.
مخبر - و چراغ برق بقدری ارزان باشد که کسی که چراغ برق را استعمال میکند ابدأ در بودجه خودش سنگینی این مخارج را احساس نکند و هیچ امتیازی هم بین شهر و دهات اطراف شهر و پایتخت نباشد ساکنین دهات با ساکنین شهرها از آن چراغ بیک قسم منتفع شوند در صورتیکه در مملکت امریکا هم که یکی از متمول ترین ممالک دنیا است خانهای هست که هنوز چراغ نفت میسوزد. آقا فوراً باین خیال افتادند که بله مملکت بیچاره است و بیک عده چراغ برق نمیتوانند بسوزانند و بیک عده چراغ برق دارند مثل اینکه الان تمام اهل این مملکت اعتصاب کرده اند و هجوم آورده اند که ما حتماً چراغ برق باید داشته باشیم. در این مملکت صدی نود و نه دارای چراغ برق نیستند و مایل هم نیستند داشته باشند. میگویند اصراف است تا چه رسد بحوالی شهر شیراز و حوالی آذربایجان و کرمان و یزد. خلاصه اینجا نظر بیک تسهیلاتی است بالاخره آقا میفرمایند بیک ترتیبی بشود که هر کس بیک کارخانه چراغ برق توی جیبش باشد و بمجرد این که وارد اطاقش شد فوراً از جیبش بیرون بیاورد و چراغ را روشن کند. افراد این مملکت را ما نمیتوانیم چراغ برق متحرک کنیم که بالاخره از بیک سرمایه هائی استفاده کنند و پول هم ندهند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

پیشنهاد میکنم ماده ۱۱ این قسم نوشته شود
ماده ۱۱ - قیمت فروش قوه برق در هر حوزه امتیاز با منظور داشتن سرمایه عمل ومدت امتیاز و مخارج اداری عادلانه از طرف صاحب امتیاز با موافقت نظر فواید عامه تعیین و اعلام خواهد شد
پیشنهاد آقای حشمتی

تصرفه ذیل را ماده ۱۱ پیشنهاد میکنم

مفاد ماده ۱۱ شامل کارخانجات قوه برق موجوده در مملکت نیز خواهد بود

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ بعد از کلمه سرمایه لفظ عمل حذف شود

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد میکنم در کمیسیونیکه بران قیمت قوه برق تعیین میشود سه نفر هم از معتمدین محل عضویت داشته و رأی اکثر آنها معتبر خواهد بود

پیشنهاد آقای عباس میرزا

ماده (۱۱) را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم

در آخر ماده اضافه شود که صاحب امتیاز نمیتواند زیاده از ۱۵ درصد منافع ببرد

رئیس - ماده ۱۲

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ - این امتیاز بهر اسم و رسم بیک یا چند دولت جارچی یا اتباع آنها جزء و کلاً غیر قابل انتقال است و تخلف از مراعات آن موجب الغای امتیاز و سلب حق استعمال و استفاده از کارخانه مزبوره در آن حوزه خواهد بود

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - در این ماده بنده میخواستم بیک سؤالی از آقای مخبر محترم بکنم با اگر آقای رفیع جواب بنده را مطابق سؤال بفرمایند عرض میکنم که جواب بدهند در اینجا انتقال ممنوع است ولی سرمایه جلب کردن

از آنها میشود یا خیر؟ در اینجا باید ذکر کرد یانه مثلاً بیک صاحب امتیاز میتواند بوسیله استقراض از خارجه یا داشتن سهام سهامش را بخارجه بفروشد یا خیر خواستم ببینم اگر اینطور است در اینجا ذکر شود چون بعضی اشخاص در ایران هستند که امتیاز گرفته اند بعد از آن خواسته اند بزنند آن امتیاز را شرکت کنند یا خارجه ها انتقال ندهند. بلکه شرکت کنند با سی در صد چهل در صد سهام خود را بفروشند در اینجا باید ذکر شود که آیا مجازند که سهام خودشان را بخارجه هم بفروشند یا خیر و اگر بفروشند تا چه حدی باید بفروشند عقیده بنده این است که بشود فروخت زیرا سهام بیک چیز می شود که بازادی می شود و هر کس میتواند بفروشد و بخرد. در اینجا ما باید ببطوری قید بکنیم مثلاً معین کنیم سهامی که از طرف کارخانه بخارجه فروخته میشود زیاده از بیست و پنج در صد کل سهام نباشد آنوقت باین ترتیب همیشه رؤساء شرکت ایران خواهند بود. برای اینکه این امتیازی را که میدهیم و بیک مذاکرانی که میکنیم آقایان که جواب را مطابق سؤال نمیدهند بعداً برای چیست. این امتیاز بالاخره با شرکتی است یا فردی است یا کمپانی است و قضایای تجارتی حقوق مختلفه دارد. اگر آقای حاج آقا رضا رفیع وقت به قوانین خارجه بفرمایند ملاحظه میفرمایند تشکیل شرکت با کمپانی طرق مختلف دارد و بموجب قوانین ممالک مختلفه تجارت فردی خیلی کثرت است سوسیته های مختلف بعناوین مختلف هستند. تمام اینها روی دو اصل آکسیون و ابلیکاسیون میگردد. بالاخره شرکت را اگر بخواهید در ایران بیک سر و صورتی پیدا کند. چون این قبیل مسائل بیک بودجه عظیمی پیدا میکند. نباید تصور کرد که فلان شخص واحد که بیک کارخانه آورده است و می تا چراغ به ما میدهد بیک کار بزرگی کرده است. مخبر در صورتی این سرمایه ها زیاد می شود که شرکت های مختلف روی بیک اصول

عالیه پایه اش را داشته شود. اصولی که سهام مختلف، سهام اولیه و ثانی و غیره داشته باشد بطوری که در همه جا هست، حالا بنده نمیخواهم وقت آقایان را زیاد تضییع کنم همینقدر عرض میکنم که در اینجا بطور مبهم نوشته اند (بخارجه انتقال ندهد) و بنده از فرمایشات مختلف آقایان هیچ نفهمیدم گاهی فرمودند بد بگرا ن نباید داد. گاهی فرمودند باید داد گاهی آقای آقا سید یعقوب فرمودند فلان. لذا ما که مقصودی نداریم. نباید بهم حمله بکنیم. این مسئله تجارتی است اینرا باید دید که غیر قابل انتقال بخارجی است یعنی چه؟ شما که اینجا برای جلب سرمایه خارجه مذاکرانی کردید گاهی گفتید خوب است گاهی گفتید بد است بالاخره بنده نفهمیدم عقیده قاطع چه چیز است. عقیده قاطع را باید آقای مخبر که در کمیسیون مطالعه کرده اند بفرمایند. البته اگر شرکت خارجه باشد ممکن است توسعه آن زیاد باشد. داخلی باشد البته نظر باینکه ما کمپانی نداریم شرکت نداریم - تجار ما... و یکی از عیوب تجارت ما که پیش نمیرود این است که (نه اینکه سرمایه نداریم. خیر) اعتماد سرمایه دارها بهم نیست. در هیچ جای ایران نمی بینند که پننج یا شش نفر تاجر در تحت بیک کمپانی بیایند امتیاز بگیرند و همیشه افراد میآیند امتیاز میگیرند و بهمین دلیل اغلب افرادی که امتیاز میگیرند دنبال هم نمی کنند و اکثر همیشه بیک فرد منفردی است که ده تا امتیاز را دنبالش رفته و هیچکدام را هم پیش نبرده. این جا بنده عقیده ام این است پیشنهاد هم عرض کرده ام که بیست و پنج درصد بشود جلب سرمایه خارجه را کرد و تا این اندازه بواسطه سهام را بخارجیها بشود فروخت

مخبر - عرض کنم که نماینده محترم لابد ماده را مطالعه فرمودند. مقصود از ماده منتقل نشدن امتیاز به اجانب است. مقصود این است که امتیاز با اجانب یا اتباع اجنبی منتقل نشود. در قسمت سرمایه اگر سرمایه بجدی باشد

که موجبات انتقال را فراهم نیارود مانعی نخواهد بود اما اگر سرمایه بقدری باشد که موجبات انتقال را فراهم کند آن خوب نیست

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده يك توضیحی از آقای مخبر میخواستم اینجا نوشته است؛ این امتیاز بهر اسم و رسم به يك یا چند دولت خارجی یا اتباع آنها جزء و کلاً غیر قابل انتقال است

انتقالات در بعضی مواقع اجباری است باید معلوم شود که اگر انتقال قهری باشد تکلیف چیست چون یکوقت هست که بر حسب ارث يك جزء از این کارخانه یا امتیاز بیک نفر از اولاد های صاحب امتیاز میرسد که تابع غیر است. یا اینکه ممکن است شخصی که امتیاز دارد تغییر تابعیت بدهد. در این صورت خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که در این دو صورت تکلیف چه چیز است. این را آقای مخبر توضیح بدهند که معلوم شود در صورت انتقال قهری یا تغییر تابعیت تکلیف چه چیز است این امتیاز و صاحب امتیاز را چه باید بکنند لغو میشود یا خیر.

مخبر - عرض کنم که اگر یکی از اتباع خارجه زن یکی از اتباع داخلی ایران بشود این تبعه ایران است و اتباع ایرانی اگر یکی فرضاً زن آنها بشود اگر آن اجنبی مسلم باشد میشود و الا نمیشود.

(همه نمایندگان)

مدرس - خیر اساساً لغو است.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم که اتفاقاً در بین مخالفت هایی که شاهرزاده عباس میرزا فرمودند تمام مسائلی که راجع باین ماده فرمودند صحیح بود. اگر ما بخواهیم در نتیجه دادن يك امتیازي فقط هم ولایتی های خودمان يك کار هائی بکنند اینها را تجربه کرده ایم از اول که با داشتن امتیاز و نداشتن امتیاز کاری نکرده اند. اشخاصی

بوده اند که امتیاز را همین طور توی جعبه هاشان گذاشته اند تا مدتش تمام شده است. یا اگر شروع بکار هم کرده اند يك کار خیلی ناقصی بود. است که مملکت نتوانسته است نتیجه بگیرد و بالاخره اگر ما بخواهیم راه سرمایه خارجی را ببندیم سرمایه داخلی نمیتوانیم يك کار های بزرگی بکنیم. اگر مقصود همان کارخانه هزار شمعی و دو هزار چراغی باشد این را بنده نه تنها مفید بحال مملکت نمیدانم بلکه تا يك درجه مضر هم میدانم. آن تناسب زندگان را بفرمایش آقای ضیاء از این میبرد يك عده چراغ برق میسوزانند و يك عده بده سوز، ما نمیدانیم در بعضی خانه ها چراغ برق روشن کنیم ما نمیدانیم در نتیجه دادن يك امتیازات و مزایائی با اتباع داخلی در مملکت مان یکی از بزرگترین عوامل مدنیت امروزه دنیا ارتباطات تجاری و سیاسی شان کنیم ولی باین حرفها و این پولها و این سرمایه ها غیر عملی است. امروز تمام دنیا ارتباطات تجاری و سیاسی شان بهم مختلف است. بکنفر تاجر هر مملکتی هم روبه خاصی دارد و ابدأ تاجر در سیاست دخالت نمیکند و بالاخره سرمایه آوردن در يك مملکتی را بنده نمیدانم با چه منطقی و با چه دلیلی مخالفین این عقیده بتوانند استدلال بکنند که مضر است؟ مایک قوانین داخلی داریم مخصوصاً در قانون تجارت ما مصرح است که هر سرمایه و هر تاجر خارجی باید تبعیت از قوانین داخلی ما بکند بنا بر این اگر سرمایه خارجی تابع قوانین داخلی مملکت ما بشود بعقیده بنده هیچ ضرر ندارد بلکه تنها راهیکه ممکن است اقتصادیات این مملکت را اصلاح بکند فقط جلب سرمایه خارجی است. نکته ای که آقای مخبر محترم فرمودند البته صحیح است حق امتیاز را نباید صاحب امتیاز بتواند به خارجی بدهد ولی این ماده را که نوشته اند طوری نیست که این مسئله را برساند وقتی که بنا شد گفتند جزء کلاً جزئی همان آکسیون ها و سهام است. ولی کسیکه صاحب يك سهم شد او حق امتیاز را ندارد. او حق

دارد که آخر هر سال یا هر مدتی که شرکت معین میکند بیاید منافع خود را بگیرد و ببرد دیگر حق هیچ مداخله ندارد. بنا بر این این کلمه جزء که اینجا گذاشته اند ممکن است سوء تعبیر بشود. ما میتوانیم در تحت قوانین داخلی خودمان با يك شرایطی که البته اطراف آن شرایط را هم رعایت کرده باشیم از سرمایه های خارجی استفاده کنیم نظر آقای عباس میرزا را از صدی بیست و پنج نفهمیدم چیست تا صدی نودم میتوانیم استفاده کنیم که منفعت هم داشته باشد ضرر هم نداشته باشد. بنا بر این باید ماده را طوری نوشت که حق انتقال امتیاز را نداشته باشند. لکن سهام را هر قدر بتوانند در بازار دنیا بفرروشند و از هر مملکتی میل دارند بیایند شرکت کنند

وزیر پست و تلگراف - آقای آقا میرزا علی خان خبیر (خبیر السلطنه سابق) را که تقریباً سی و پنجسال در وزارت پست و تلگراف سابقه دارند بسمت معاونت وزارت پست و تلگراف معرفی میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده دوازدهم بعد از لفظ و کلاً نوشته شود علاوه بر اینکه داده نمیشود الی آخر، پیشنهاد آقای دیبا

پیشنهاد مینمایم ماده ۱۲ بترتیب ذیل اصلاح شود این امتیاز بهر اسم و رسم بعنوان انتقال یا رهن یا اجاره بيك یا چند دولت خارجی یا اتباع آنها جزء یا کلاً غیر قابل انتقال است و تخلف الی آخر،

پیشنهاد آقای شریعت زاده

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بر آخر ماده دوازدهم اضافه شود:

هر گاه صاحب امتیاز بخواهد در حدود قوانین شرکت سهامی تاسیس نماید مجاز نخواهد بود بیش از

چهل و پنج در صد از سهام شرکت را با اتباع خارجه بفروش برساند
پیشنهاد آقای عباس میرزا
ماده دوازدهم را پیشنهاد مینماید اضافه شود تا ۲۵ در صد از سرمایه را میتواند شرکت به سرمایه خارجی بدهد.

پیشنهاد آقای ضیاء

پیشنهاد میشود ماده ۱۲ بترتیب ذیل اصلاح شود، ماده ۱۲ - انتقال این امتیاز بهر نحوی از انحاء با اتباع خارجه یا شرکت های خارجی ممنوع و موجب الغای امتیاز خواهد بود ولی در صورتیکه شرکتی تشکیل میشود اتباع خارجه هم بتوانند از سهام شرکت خریداری نمایند مشروط بر اینکه هیچوقت مجموع سهامی که بخارجه منتقل میشود باندازه رسد که اکثریت آراء مجمع عمومی شرکت را با اتباع خارجه بدهد

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

بجای ماده دوازدهم خبر کمیسیون ماده ۱۳ لایحه دولت را پیشنهاد میکنم

پیشنهاد آقای شیروانی

ماده دوازدهم - حق امتیاز بيك یا چند دولت با اتباع خارجی غیر قابل انتقال و تا هر مقدار ممکن است سهام را در بازار دنیا بفروش برسانند.

پیشنهاد آقای تقی زاده

پیشنهاد میکنم به آخر ماده دوازدهم اضافه شود در صورت دادن سهامی به اتباع خارجه میزان این سهام نباید به حدی برسد که آراء متعلقه به آن سهام در مجمع شرکاء نصف یا بیشتر از کل آراء صاحبان سهام را تشکیل بدهد.

رئیس - ماده سیزدهم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سیزدهم - هر گاه دولت بخواهد امتیازي از طریق استفاده از آبشارها برای تولید قوه برق اعطا نماید معلوم شود که امتیاز

مزبور حقوق و منافع صاحب امتیاز چراغ برق دیگری را اخلال مینماید وزارتین مالیه و فوائد عامه مکلف هستند که قبلاً قراری را که حمایت منافع و آسایش عامه و رضای صاحب امتیاز را مستلزم باشد اتخاذ نمایند.

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - این امتیاز که اینجا ذکر شده است در حقیقت این ماده ضمیمه ماده دواست و برای صاحب امتیاز اسباب زحمت خواهد بود در صورتیکه آن چهار فرسخ اطراف شهر را در حوزه امتیاز بگذارند قضیه آبشارها اتفاق می افتد ولی وقتیکه حوزه امتیاز محدود بشهر باشد دیگر قضیه آبشار پیش نیاید برای اینکه در شهر که آبشار نیست و بنده که در آن ماده مخالفت کردم نظرم همین بود و حالا هم بنده این ماده را زائد میدانم ممکن است آن ماده ده را اصلاح کنند و این ماده بکلی حذف شود

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه راجع بشهریه ورنه مرحوم مجدالملک مطرح شود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - عرض کنم این لایحه تا ماده سیزدهم قرائت شده است و بیک قسمت عمده وقت مجلس را گرفته است. مدتی است که دولت بواسطه خدمات مرحوم مجدالملک یک لایحه برای شهریه دختر و عیالی که از او باقی مانده است بکمیسیون بودجه آورده است باخدمانی که مرحوم مجدالملک در کارهای دولتی کرده و زحماتی که کشیده است اغلب آقایان مسبقاً که ورثه او قادر بامرار معاش نیستند. خبر کمیسیون هم راجع باین موضوع مدتی است طبع و بین آقایان توزیع شده است. استدعا میکنم آقایان موافقت بفرمایند این خبر هم که

چندانی محل اختلاف نیست مطرح شود و این قسمت آخر جلسه را صرف اینکار بفرمایند که نسبت بورثه مرحوم مجد الملک رعایتی شده باشد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - یک چیزی از قدیم میگفتند که سیزده نحس است. نمیدانم چه شد در وسط ماده سیزده بکمرتبه این امر پیش آمد با ما بگذارید اقلاً ماده سیزده بگذرد آنوقت پیشنهاد کنید بدختر و عیال مجدالملک شهریه داده شود. این مطالب خوب نیست در وسط یک لایحه که مطرح است بیاید. این واقعاً چیز عجیبی است. من اولاً باین شهریه ها عقیده ندارم. ثانیاً در وسط یک امر یک مرتبه پیشنهاد شود واقعاً چیز غریبی است!!

احتشامزاده - بنده نظرم این نبود که در وسط امر مطرح شود. نظرم این بود که در آخر جلسه مطرح شود

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده در جلسه گذشته که این لایحه مطرح بود در غالب موافقت بودم و میخواستم مخالفت کنم ولی چون نماینده دولت نبود که توضیحاتی بدهد و ما را قانع کند این بود که تأمل کردم تا حالا که نماینده دولت حاضر شده است. چون اغلب رفقا با اساس این لایحه مخالفند و خود بنده هم بعد از استماع مذاکرات آقایان و مطالعه اینطور بنظرم رسید که وضع این قانون شاید ضررش بیش از نفعش باشد...

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

باستانی - این است که حالا بنده عقیده ام را عرض میکنم تا به بینم آقای معاون وزارت فوائد عامه توضیحاتی که میدهند ما را قانع میکند یا خیر؟ چند روز قبل بنده از دروازه قزوین می آمدم اتفاقاً نشستم در آن اتوبهلوی و حساب کردم که در چند دقیقه به میدان توپخانه می آید. وقتی در اتوبهلوی نشسته بودم به فکر این لایحه افتادم که خوب حالا اگر امتیازی از طرف

مجلس داده نشده است به یک مؤسسه و یک مؤسسه آزادانه یک کاری میکنند مگر عیبی دارد. ما لایحه اتوبوس رانی را از مجلس گذرانیدیم نفهمیدیم چه شد. مدتی وقت مجلس تلف شد و معلوم نشد چه نتیجه داد؟ هیچ! در اوقات تابستان مسافرت به شیراز بواسطه نقلیه که بطور آزاد هست مگر عیبی دارد که ما بیائیم یک قانونی وضع کنیم که این قانون باعث تضییقات نسبت به کسانی که تقاضای انجام یک کاری میکنند بشود. تصور میکنم همه آقایان تصدیق داشته باشند که احتیاجات مملکت ما گوناگون است و هرچه جلوتر میرویم پیشرفتمان بیشتر میشود حس احتیاج در ما بیشتر بروز میکند علاوه همه افراد مملکت شاید احتیاجات را حس نمیکند ولی یک افراد منور الفکر احتیاجات را بیشتر حس میکنند و سال به سال این احساسات بیشتر میشود ولی اکثریت این ملت هنوز احتیاجات را حس نکرده اند البته اگر کارخانجات چراغ برق در تمام شهرها و قصبات این مملکت دایر بشود که همه از آن استفاده کنند از نظر اقتصاد و صرفه جوئی بحال عامه مفید واقع میشود ولی هنوز این حس در عامه تولید نشده است و هنوز میل به این کار را ندارند. ما حالا اگر نخواهیم یک قانونی وضع کنیم این قانون حس احتیاجات را تحریک میکند؟ اشخاص را این قانون وادار میکند که بیایند سرمایه هاشان را در این کار بیندازند؟ بنده خیال میکنم که قضیه برعکس است چرا؟ برای اینکه جهات و مواقع ارتباطیه ملت را با دولت اگر در نظر بیاوریم در اغلب موارد می بینیم که هرکاری یک طرفش دولت و یک طرفش مردم واقع شده اند متأسفانه مردم فرار میکنند. این کمیته امتیازاتی که در وزارت فوائد عامه مدتها بوده است و نمیدانم حالا هم هست یا نه بنده از هر که شنیده ام شاکی بوده است و اگر یک کسی یک وقت خیال کرده است که اقدامی بکند از این نظر که مبادا گرفتار اشکال تراشی های وزارت فوائد عامه بشود منصرف

میشود بنده اغلب مردم را می بینم که اینطور در نظر دارند که اینگونه کارها امتیاز میخواهد یعنی قانون اساسی اینطور مقرر داشته است که بدون امتیاز نمی شود در صورتیکه قانون اساسی گفته است امتیاز و انحصار باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد. ولی بطور تغل آزاد هیچ قیدی در قانون اساسی نیست اما این اشتباه در عامه هست که برای این گونه کارها باید حتماً امتیاز گرفته شود. بعضی مواقع میروند در وزارت فوائد عامه که امتیاز برای کاری بگیرند در صورتیکه وزارت فوائد عامه این حق را ندارد که جلوگیری کند یا یک نوشته بدهد به یک کسی که بعد اسباب زحمت بشود. در هر حال طرز عمل وزارت فوائد عامه و دولت باعث شده است که مردم رغبتی که باید داشته باشند به تحصیل امتیاز یا بکار انداختن سرمایه ها ندارند. علاوه حس احتیاج هم در مردم تحریک نشده است که خواهان یک موضوعی بشوند و ناچار با کاسب سرمایه اش را بکار بیندازد و از آن استفاده کنند. الان شما به بینید تقاضا کننده های چراغ برق در شهرها چقدر است؟ خیلی کم، برای اینکه هنوز این احتیاج را حس نکرده اند در این صورت ما بیائیم یک قانونی وضع کنیم و یک تضییقاتی فراهم کنیم برای اشخاصی که این فکر را دارند، بنظر بنده کار خوبی نیست، الان در مشهد در بهلولی و نقاط دیگر مملکت یک مؤسسات برقیه درست شده است بطور آزاد بنده می ترسم این قانون آنها را هم منحل کند الان پنج شش کارخانه در مشهد هست به کدام یک امتیاز میدهند؟ کدام را در عمل ترجیح میدهند؟ با این قانون یک مشکلی برای آنها تولید میشود و باعث میشود مؤسساتی هم که فعلاً وجود دارد منحل شود و اینکه آقای شیروانی در ضمن بیاناتشان فرمودند این قانون سرمایه را به کار می اندازد و سرمایه را از خارج می آورد متأسفانه اینطور نیست بلکه این قانون سرمایه دارها را منصرف میکند از اینکه کار بکنند.

شیروائی - بچه دلیل ؟

باسائی - بدلیل عمل معمولی و بدلیل اینکه خودتان اینجا بادم هست پشت این تربیون از کمیته امتیازات کله داشتید ، بدلیل اینکه هنوز آقای موقر موفق نشده است که دولت لایحه ایشانرا بمجلس بیاورد ، باین دلیل که عمل اینطور بوده است بنده نمیخواهم انتقادی یا تکذیبی ازدولت حاضر کرده باشم بلکه ترتیب و اساس این طور بوده است و طرز عمل سابقین و لاحقین همه همین بوده است و بنده عقیده ام این است که آقای معاون وزارت فوائد عامه يك توضیحاتی بدهند تا به بینیم جهات رجحانی وضع این قانون چه بوده است و اگر يك چنین قانونی باشد و مردم مكلف باشند که بیایند باین ترتیب امتیاز از وزارت فوائد عامه بگیرند بهتر است یا اینکه مردم آزاد باشند و هر کس كوچك و بزرگ کار خانجائی در این مملکت بیاورد و بکار بیندازد؟ ممکن است وزارت فوائد عامه هم اعلان کند که این قبیل کارها آزاد است تا مردم این فکر از مغزشان بیرون برود و بفکر این نباشد که بیایند از وزارت فوائد عامه امتیاز بگیرند . قانون اساسی امتیاز انحصاری را گفته است باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد و الا اینطور کارها را که اینقدرها هم مهم نیست اگر مردم بتوانند آزادانه انجام دهند مفیدتر و خیال میکنم هرچه مردم را آزادتر بگذاریم برای پیشرفت این مقصود بهتر است

عراقی - اجازه میفرمائید بنده اخطار دارم

رئیس - بفرمائید

عراقی - مطابق آنچه که تا کنون در مجلس دیده ام در کلیات یا در ماده اول راجع بکلیات صحبت میشد در سایر مواد راجع بهمان ماده مذاکره میشد اینجا نماینده محترم آنچه فرمودند راجع بکلیات بود و نسبت بماده سیزده هیچ فرمودند کمیته در وزارت فوائد عامه بوده یا دولت خوب یا بد است اینها تمام مربوط به کلیات بود و راجع بماده سیزده که مطرح بود هیچ فرمود .

مخبر - چون راجع بماده سیزده مذاکراتی فرمودند و راجع بکلیات صحبت فرمودند چیزی عرض میکنم رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم بطوریکه مخبر کمیسیون اظهار داشتند نماینده محترم راجع باین ماده مذاکراتی فرمودند که جوابشان را عرض کنم چون يك کلیاتی بود اگر دولت خودش حضور داشت جواب میدادند که چه کرده اند و چه میکنند . فرمودند ما نمیدانیم محتاج باین هستیم که يك چنین قانون از مجلس بگذرانیم یا نه . بنده گمان میکنم هیئت دولت اگر حس نمی کرد که به چنین قانون احتیاج هست این لایحه را نمی آورد که برود بکمیسیون فوائد عامه که دوازده نفر از آقایان نمایندگان همین ملت در آنجا هستند و با نظر خود دولت این لایحه را تنظیم نمایند البته لزوم آنرا حس کرده اند از همان نقطه نظر که نماینده محترم میفرمایند کمیته امتیازات همه از آن شکایت دارند همان نقطه نظر ها اینجا کرد که يك لایحه تنظیم کنند و بیاورند بمجلس شورای ملی برای اینکه جلو گیری از استفاده آن اشخاص بشود . برای این که دولت فکر کرد يك کمیته امتیازاتی درست شده است و حالا مطابق قانون درست شده یا نه کار ندارم . برای اینکه هر روز از ولایات استدعا و خواهش می کنند که بما امتیاز بدهید و هر روز هم دولت نمیتواند يك امتیازی بیاورد به مجلس و مجلس را مشغول کند . به این نظر دولت يك لایحه بطور کلی آورده است و از مجلس اجازه خواسته است که راجع به قوه برق در ایران مطابق این لایحه که تنظیم شده است يك اختیاری بمن بده . البته همه آقایان میدانند که مملکت چقدر به قوه برق احتیاج دارد نه تنها چراغ برق میخواهد استفاده های خیلی زیادی از قوه رقی میشود نمود (اما نه قیمتش اینقدر که حال هست باشد) عرض کنم برای همان جهات بود که آوردند اینجا و شما که یکی از مبرزین نمایندگان هستید چیزهایی

که بنظر من خوب می آید و باید زیاد شود پیشنهاد کنید و از دولت پرسید چطور شده است بچه دلیل این لایحه را تنظیم کرده اید . بین شما و دولت که فاصله نیست با اکثریت مجلس هستید . ما و هیئت دولت یکی هستیم و اگر به اعتماد شما نباشد دولتی نیست و دولت به اعتماد شما این لایحه را تنظیم و تقدیم کرده است و دولتی که به اعتماد شما يك لایحه را تقدیم میکند و در کمیسیون فوائد عامه هم با حضور دوازده نفر از نمایندگان مطرح میشود بالاخره معلوم است که مطابق میل خودتان خواهد بود . میفرمائید که مردم همچو میل ندارند کار کنند اینطور نیست به خود جناب عالی و اغلب آقایان نمایندگان چه کاغذ ها می رسد ؟ بقدری مردم میل دارند کار بکنند که نهایت ندارد . منتها همان کمیته امتیازات که فرمودید يك مواعی بود و جلو مردم را گرفته بود که نمیتوانستند کار کنند هیئت وزراء در کار های جزئی مشوق میشدند و لسی خودشان هم اطلاع نداشتند که بسر مردم چه می آید . مردم محتاجند امتیاز میخواهند ، میخواهند کار کنند شما ملاحظه بفرمائید از موقعیکه امنیت آمده است مردم بطوری هجوم آورده اند برای کار کردن و امتیاز گرفتن که چه عرض کنم ولی البته يك قدری موانع در کار بود يك قسمت هم وزارتخانه حق داشت میگفت از مجلس اجازه نداریم حالا دولت يك لایحه تنظیم کرده است و آورده است اینجا که بالاخره مطابق آن اجازه داشته باشد حالا میگوئید این اختیارات کم است ؟ زیادش کنید زیاد است ؟ کش کنید و بالاخره فرمایشات جناب عالی مربوط بماده سیزده نمود . آن قسمت فرمایش آقای عباس میرزا هم که فرمودند (بنده با ایشان مخالفم) بنده با ایشان مخالفی ندارم صورت جلسه حاضر است بالاخره اگر ملاحظه فرمودید که قسمت اول فرمایشاتتان با قسمت آخرش ضد بود خودتان تصدیق خواهید فرمود بعلاوه آن کلمات اروپائیان را هم که بنده نفهمیدم چه

بود اگر از آنها قدری استعمال نفرمائید بهتر است و بالاخره باید کار کرد آقا اینمذمت امتیاز ندادیم کار نکردیم . این است عملیات ما در مملکت . چراغ برق نداریم . هیچ نداریم ، در دوره چهارم و پنجم و ششم امتیاز ندادیم و حال ما از ندادن امتیاز این است که ملاحظه میفرمائید حالا آمده ایم فکر کرده ایم که باید این امتیازات را داد به مردم . با منفی بقی که نمیشود کار کرد ! بیست سال است منفی باقی کرده ایم باین ترتیب که نمیشود زندگی کرد باید برای مردم کار پیدا کرد .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه رسیده است . آقای

عبادی .

بعضی از نمایندگان - باشد برای بعد از مذاکرات

آقای معاون وزارت فوائد عامه .

معاون وزارت فوائد عامه - بنده میخواستم جواب آقای باسائی را در موقع شور در کلیات عرض کنم ولی دیدم ممکن است خود این تعویق اسباب اشکال بشود این لایحه . این است که اجازه میخواهم بطور مختصر توضیحاتی که آقای خواستند عرض کنم خیلی از آقایان هم این توضیح را از بنده خواسته اند البته در مرحله اول هر کسی فکر میکند که خوب است امتیاز چراغ برق داده نشود و در تمام ایران چراغ برق دایر شود خودمان هم همین فکر را داشتیم و هر کس می آمد امتیاز میخواست میگوئیم بابا این کارها آزاد است چه مانعی دارد که شما چراغ برقتان را بیاورید و تاسیس کنید و استفاده ببرید ؟ و هیچوقت از طرف وزارت فوائد عامه و از طرف کمیته امتیازات مخالفتی نکردند و همیشه جواب دادند که بیاورید و همه جور هم از طرف وزارتخانه با این اشخاص کمک و تشویق میشود حالا هم يك عده زیادی موتور و دینامو و هرچه لازم است آورده اند در خیلی از شهرها کار خانجات مختلف وارد کرده اند مثلا يك کارخانه در فلان نقطه که قیمت

آن از چهل هزار تومان تا پنجاه هزار تومان است درست شده آن وقت يك کارخانه که قیمتش پانصد تومان است جلو آن درست شده و این کارخانه کوچک پانصد تومانی دارد آن کارخانه بزرگ را از بین میبرد. برای اینکه اگر يك چراغی را این کارخانه کوچک بفروشد پنج شاهی در ماه ضررش صد تومان است اما اگر آن کارخانه بزرگ بخواهد این ضرر را بکشد در ماه هزار تومان ضرر میکند و با این ترتیب ممکن است آن کارخانجات بزرگ بواسطه يك رقابتهائی از بین بروند بعلاوه ترتیب کشیدن سیم و ندانستن مردم که نسبت به این کارخانه چه وظیفه دارند و خود آن صاحب کارخانه هم نمیداند نسبت به مردم چه وظیفه دارد این ها يك مشکلاتی را نسبت بصاحب کارخانه و مردم و مخصوصاً اشخاص صاحب ثروت که باین خیال باشند تولید میکند که اگر در يك شهری يك کسی موفقیت پیدا نکند تمام شهرهای ایران دیگر چراغ برق نخواهند داشت از این نظر این لایحه را وزارت فوائد عامه تنظیم کرد و اینهم بانظر متخصصین بوده است و مسیو هارنن و کننل موریس و مهندسین دیگری را هم که ما داشتیم و بخوبی از سایر ممالک اطلاع داشته آنها را دعوت کردیم و بانظر آنها این لایحه را تنظیم کردیم و آنها عقیدشان این بود که مدت این امتیازی سی سال باشد ولی وزارتخانه قبول نکرد و گفت که مدت کمتری را ما میگیریم که در مدت پانزده سال در تمام ایران هرکس میخواهد امتیاز بگیرد و چراغ برق کشیده شود و بعد از آنهم البته آزاد خواهد بود و کمتر از پانزده سال هم ما نمیتوانیم این کار را بکنیم اما این قیدی که اینجا گذاشته شده که اگر بنا شد يك قوه فشار آبی پیدا شود و هرکس بخواهد بان وسیله امتیاز بگیرد مقدم باشد برای چیست؟ برای این است که الان مثلاً در طهران اگر بخواهند چراغ برق تاسیس نمایند با نفض یا بنزین یا ذغال سنگ مبلغ ترفاتی تمام در صورتیکه بکیر سرمایه دار اگر بخواهد با قوه آب

این کارخانه را تاسیس نماید نصف بلکه ده يك آن قسمت برایش تمام میشود و البته این ترتیب برای شهر با صرفه تر و بهتر است و به این جهت است که آن کسی را که سرمایه دارد و میخواهد با فشار آب چراغ برق تاسیس نماید مقدم داشته اند که به قیمت ارزانی چراغ بدهد و برای اینکه خسارتی به صاحب امتیاز سابق وارد نیاید شرط شده است که باید خسارانی که به صاحب امتیاز وارد شده باو داده شود و این قسمت را هم عرض میکنم که دیگر ابداً کمیته امتیازی در وزارت فوائد عامه نیست و هر وقت هر امتیازی را از وزارت فوائد عامه خواسته اند همه گونه مساعدت شده است و اینکه آقای باسائی فرمودند ممکن است این قانون يك تضيیقاتی را برای يك اشخاصی که بخواهند این کار را بکنند فراهم نماید مخصوصاً خودشان باید توجه باین قسمت داشته باشند که ما قانون را بر حسب تقاضا و اصرار خود آن اشخاص بمجلس آوردیم که همه روزه چه کتبیاً و چه تلگرافاً به وزارتخانه اصرار کرده اند و مقصود ما تسهیل کار آنها است.

یکسفر از نمایندگان - اسامیشان را بفرمائید،

معاون وزارت فوائد عامه - یکی آقای موقر که خودشان اینجا تشریف دارند،

موقر - بنده دو سال است تقاضا کرده ام

معاون وزارت فوائد عامه - از بروجرد اشخاصی که کارخانه شان را وارد کرده اند و همه روزه آقای اعتبار برای کار آنها بوزارتخانه می آیند از اصفهان که آقای شیروانی و سایرین برای کار آنها می آیند،

عراقی - از عراق نودری

معاون - بلی از عراق آقای نودری ممکن است فردا بنده دوسیه اش را بفرستم و آقایان ملاحظه بفرمایند مقصود این بوده است که مردم کمک کرده باشیم بهیچوجه نمیخواسته ایم تضيیقاتی بکنیم مقصود تسهیل بوده است بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

بعضی گفتند خیر این ماده تمام شود بعد

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض کنم بواسطه اینکه جلسه طول کشیده است و در این جلسه هم تنفس داده نشده این است که دیگر تاب و طاقت برای کسی باقی نمانده است به اینجهت بنده پیشنهاد کردم که جلسه ختم شود

رئیس - عده برای اخذ رای کافی نیست آقای حقنویس

حقنویس - عرض کنم بنده میخواهم مخالفم را روی ماده سیزده اظهار کنم. البته آقایان تصدیق که مخصوصاً اشخاصی که خیلی عشق به ترقی را اظهار میکنند و از ترقی حمایت مینمایند آنها باید بیشتر تصدیق کنند که همیشه وضعیت کامل وضعیت ناقص را بهم میزنند و اگر اشخاصی که میل به تکامل دارند و عاشق ترقی هستند بخواهند نسبت به عوامل وضعیت ناقص ابراز عطفوت کنند نمیتوانند تند بطرف ترقی بروند يك روح محافظه کاری در آنها تولید میشود که از رفتن به جلو محروم می مانند. خیلی خوب چراغ برق میخواهیم يك اشخاصی هم هستند که معتقدند چراغ برق به آزادی بهزاداره میشود. يك اشخاصی هم هستند که میگویند خیر باید امتیاز داد ولی این را نباید فراموش کنیم که اگر قوه برق را از استفاده از آبشارها فراهم کنیم مفیدتر و بهتر و مرغوب تر است. بنا بر این ما باید این را ملتفت باشیم که حالا که میخواهیم از غیر آبشار استفاده کنیم جلو استفاده از آبشار را نگیریم اینجا مینویسد در این ماده حالا که امتیاز دادند اگر بعد دولت خواست امتیازی از طریق استفاده از آبشارها برای تولید قوه برق اعطاء نماید و معلوم شود که امتیاز مزبور حقوق و منافع صاحب امتیاز چراغ برق دیگر را اخلال مینماید وزارتین مالیه و فوائد عامه مکلف هستند که قبلاً قرار بر آن که حمایت منافع و آسایش عامه و رضای صاحب امتیاز را مستلزم باشد اتخاذ نمایند. اولاً برای چیست چرا؟ يك صاحب امتیاز خودش باید پیش بینی کند که در حوزه امتیازش استفاده از آبشار اگر ممکن اول امتیاز

استفاده از آبشار بگیرد و اگر خودش به تنهایی نمیتواند ممکن است بطور شرکت سرمایه زیادتری تهیه کند. اما اینکه می آید امتیاز غیر آبشار میگیرد بعد خواست امتیاز آبشار بگیرد دولت مکلف است رضایت او را تحصیل نماید مخصوصاً این کلمه رضایت ممکن است سبب شود که او رضای نشود مگر اینکه يك مبلغ گزافی بدولت تحمیل کند یا يك تحمیلاتی بصاحب امتیاز بعد بکنند بنا بر این این کلمه رضایت را شرط کردن که دولت مکلف است مخصوصاً رضایت صاحب امتیاز اول را فراهم کند گمان میکنم این هم برای دولت اسباب زحمت خواهد بود و هم يك اشکالی برای امتیاز خواهندگان از آبشارها ایجاد خواهد نمود. بسیار خوب يك اشخاصی میخواهند امتیاز بگیرند اگر در حوزه امتیازشان يك آبشاری قابل استفاده است امتیاز استفاده از آن آبشار را بگیرند آنوقت دیگر این ماده موضوع ندارد و اگر اشخاصی میخواهند حالا بیایند و اول کارخانه خودشان را از غیر آبشار ایجاد کنند وجود خودشان را يك حاجب و مانعی برای اشخاصی که بعد میخواهند استفاده کنند قرار دهند و بگویند که مجلس و دولت اینطور امتیاز را تصویب کرده و با داده اند و هیچکس حق ندارد امتیاز استفاده از آبشار را بگیرد مگر اینکه من را راضی کند این بعقیده بنده خوب نیست.

معاون وزارت فوائد عامه - آقای حقنویس فرمودند حالا که امتیاز چراغ برق میدهیم بهتر این است امتیاز گرفتن قوه از فشار آب را بدهیم. البته این خیلی خوب است برای مملکت هم بهتر است زیرا دیگر محتاج بنفت با سایر مواد که باید از خارج بیاید و مصرف شود نیست ولی این قسمترا باید در نظر بگیریم که مخارج برقرار کردن يك مؤسسه که از فشار آب چراغ برق بدهد بقدری زیاد است که هر کسی نمیتواند همچو امتیازی بگیرد برای طهران اگر کسی بخواهد چراغ برق درست کند بادویست سیصد هزار تومان ممکن است کارخانه

از آنجا چراغ برق طهران را بدهد البته کسی مانع نیست و صاحب امتیاز جدید باید خسارت صاحب امتیاز قدیم را بدهد حالا اگر بنظر آقا این عبارت خوب نیست ممکن است عبارتی که بنظرشان بهتر میآید پیشنهاد بفرمایند و الا منکر بودن یا اینکه از حالا ما امتیاز بدهیم از فشار آب قوه بگیرند این خوب نیست و عملی نیست و نمیتوانیم بآن موفق شویم

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

رئیس - عدد برای مذاکرات هم کافی نیست

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

اش را در طهران تأسیس نماید ولی اگر بنا باشد کارخانه در جاجرود تأسیس شود و با سیم قوه را بشهر بیاورند دوسه میلیون خرج دارد و چون حالا ما این چند میلیون را نداریم که اینجا خرج کنیم از اول امتیاز استفاده از آبشار را بدهیم خوب نیست پس ما باید با وسیله که در دستمان است همانطوریکه فرمودند نواقصی که هست تدریج رفع کنیم بکمرته که ما نمیتوانیم ایران را مثل لندن کنیم او باید امتیاز با وسائلی که موجود است بدهیم بعد اگر صاحب سرمایه پیدا شد و خواست در جاجرود از قوه فشار آب استفاده کند و